

اسراف و اقتصاد اخلاق

دکتر بیژن بیدآباد

پرسیدند: نان با چه خوری؟ گفت: با قناعت، که حلال اسراف نپذیرد.
از تاریخ گزیده

حطیه اقتصاد نو کلاسیک در تبیین رفتار اقتصادی انسان در حداکثر سازی منافع با توجه به محدودیت منابع تعریف می‌شود. این نظریه گرچه بر مبنای فروض منطقی عقلانیت مادی در رفتار انسان تحت نظام ارجحیت (Preference Ordering) فرد استوار است، دچار نقایص خاصی است که در مباحث اقتصاد اخلاق قابل رفع می‌باشد.

از لحاظ اقتصاد اخلاق، معیارهای مهمی در اقتصاد اسلامی وجود دارند که چنانچه این موارد به نظریه نو کلاسیک‌ها در رفتار مصرف کننده و همچنین رفتار تولید کننده اضافه شوند، می‌تواند راهکارهای جدی مناسبی را در الگوی مصرف برای فرد، جامعه، کشورها و جهان و همچنین در ساختار تولید بوجود آورد.

اقتصاد اخلاق بخش جدیدی از اقتصاد است که اصول فلسفی آن هزارها سال است که تدوین شده، ولی به صورت علم اقتصاد امروز به شیوه‌های روش شناسی رایج مطرح نگردیده است. هر چند که در لابلای دیگر مباحث اقتصادی شاید بتوان به تحقیقات و مقالات پراکنده‌ای در این زمینه دست یافت.

یکی از مسائلی مهمی که همواره در مد نظر اقتصاد اسلامی قرار دارد و کمتر مورد توجه تحلیل‌گران اقتصادی است، مصرف زاید یا اسراف در مصرف است. اسراف از باب افعال ثلاثی مجرد صرف به معنی از حد اعتدال عبور کردن است. معنی اعتدال مبحث بسیار پیچیده‌ای است که خود می‌تواند موضوع کتاب‌هایی در این زمینه باشد، ولی از باب استفاده اقتصادی این مفهوم در اینجا به عنوان اسراف در مصرف به معنای مصرف زاید و یا ایجاد ضایعات مصرفی در مدنظر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، چنانچه مصرف نان برای یک فرد در حد متوسط خوراک او سه قرص نان در روز باشد و او اقدام به خرید چهار قرص نان نماید و قرص چهارم را به علت بیات شدن، به دور اندازد، عملاً سبب شده که ۲۵ درصد از تقاضای مصرف را به هدر دهد. از لحاظ نظریات نو کلاسیک‌ها میزان مطلوبیتی که وی از خرید سه قرص نان به دست می‌آورد، کمتر از میزان مطلوبیتی است که وی از

خرید چهار قرص نان بدست خواهد آورد، ولی از لحاظ اقتصاد اخلاق این موضوع صحیح نیست، زیرا مطلوبیت حاصل از سه قرص نان- برای مثال ما- مساوی مطلوبیت حاصل از چهار قرص نان است که یک قرص آن ضایع می‌شود. این ملاحظه اساس نظریه مطلوبیت و بالاخص نظریه مطلوبیت نهایی در رفتار مصرف کننده در نظریات اقتصاد خرد را با اشکال روبرو می‌کند. به عبارت دیگر، تئوری نو کلاسیک‌ها در بررسی رفتار مصرف کننده، تقاضا و مصرف را به عنوان خرید کالا در مد نظر قرار می‌دهد، نه به عنوان صرف یا اکل فیزیکی کالا.

تفاوت خرید و صرف یا اکل کالا در مثال ما در قرص نان چهارم است که خرید یا تقاضا مساوی چهار قرص و اکل

دولت یا بخش
دولتی نباید از محل
منابع
عمومی جامعه، اقدام
به خرید
ساختمان‌های
لوکس نماید.

یکی از مسایل مهمی که همواره در مدنظر اقتصاد اسلامی قرار دارد و کمتر مورد توجه تحلیل‌گران اقتصادی است، مصرف زاید یا اسراف در مصرف است.

نتیجه، عوامل تولید- از کار و سرمایه و زمین و مواد اولیه و واسطه‌ای- بیشتری باید صرف تولید گردند. مفهوم این موضوع آن است که منابع بیشتری را صرف کنیم، تولید بیشتری بنماییم، ولی مطلوبیت ما در همان نقطه قبل بماند، زیرا همانند مصرف قرص چهارم نان در مثال فوق، مطلوبیتی به فرد اضافه نخواهد شد. لذا اسراف سبب شده است که برای تولید قرص چهارم هم نیروی کار و زمین زراعی و بذر و ماشین آلات شخم و کاشت و برداشت و حمل به آسیاب و سیلو و آرد و خمیرگیری و پخت و فروش نان ۲۵ درصد اضافه‌تر بکار برده شود، ولی رفاهی از این بابت برای مصرف کننده مترتب نگردد، یعنی کاری عبس و بکارگیری عوامل تولید بدون حصول نتیجه.

اما چنانچه مصرف کنندگان اقدام به جلوگیری از اسراف نمایند، عملاً با کار کمتر همان مطلوبیت سابق را بدست خواهند آورد.

از سوی دیگر، طبق نظریات اقتصاددانان نو کلاسیک در زمینه نظریه عرضه نیروی کار، کارگر برای حداکثر سازی مطلوبیت خود در اتخاذ تصمیمش برای انتخاب میزان ساعات کار و جایگزینی آن با زمان استراحت خود، ترکیبی از کار و استراحت را انتخاب می‌نماید که در این ترکیب، با توجه به مشخصه‌های اقتصادی و رفتاری، عملاً تابع عرضه نیروی کار مشخص می‌شود. وقتی تقاضای نیروی کار در اثر جلوگیری از اسراف کم شود، آثار آن بر رفتار کارگران به سه حالت قابل بررسی خواهد بود: یکی این که، عرضه کار خود را بیشتر کنند؛ دوم این که، عرضه کار در همان سطح قبلی باقی بماند و سوم این که، عرضه نیروی کار کمتر شود. در هر سه حالت این تحولات با توجه به سختی رو به پایین (Downward Rigidity) دستمزد سبب بهبود درآمد و یا ازدیاد زمان استراحت کارگر می‌شود. در نتیجه، بهبود

آن مساوی سه قرص است. تعلیمات قرآن کریم همان گونه که از فرمایشات و رویه انبیا و اولیای الهی مستفاد می‌شود، حاکی از آن است که نباید بیش از حد ضرورت مصرف نمود. قرآن کریم می‌فرماید: ای فرزندان آدم! بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که او اسراف کنندگان را دوست نمی‌دارد^(۱) و می‌فرماید: و اوست که باغ‌های داربست زده و بدون داربست و خرما بن و کشتزارها را که میوه آن‌ها متفاوت است و زیتون و انار همگون و ناهمگون آفرید، از میوه‌های آن چون میوه آورد، بخورید و حق خدا را روز برداشت بدهید و اسراف مکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد^(۲) و می‌فرماید: بخورید از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم؛ و در آن طغیان نکنید، که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، سقوط می‌کند^(۳) به عبارت دیگر، تعلیم اخلاق اقتصادی در آیات فوق حکایت از این دارد که نباید بیش از حد ضرورت مصرف نمود. شاید در نظر اولیه و با نگاهی که اقتصاددانان رشد به نظریه مصرف انبوه دارند، این موضوع صحیح نباشد، زیرا این گروه از اقتصاددانان پدیده مصرف بی حد و حصر را معرف رفاه جامعه می‌دانند، ولی بررسی دقیق موضوع، خلاف این گونه نظریات را متبادر به ذهن می‌نماید. نظریه مراحل رشد رستو^(۴)، احراز توسعه یافتگی را در مرحله‌ای تعریف می‌نماید که در گردش اقتصاد مصرف روزافزون و انبوه باشد. لذا تبلیغات به عنوان محرک و تهییج مصرف، عامل اساسی در این حرکت تلقی می‌شود. نظریات مراحل رشد اقتصادی رستو و تحلیل‌های امواج تافلر^(۵) حاکی از این پدیده است، ولی دیدگاه اقتصاد اسلامی این موضوع را به عنوان یک رویه قابل تعمق مطرح می‌کند.

علی القاعده وقتی بیش از حد نیاز مصرف ایجاد شود، باید محصول بیشتری برای مصرف اسراف‌ی تولید گردد. در

خداوند می‌فرماید: بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید.





آلین تافلر، تبلیغات را به عنوان تهییج مصرف و محرک اقتصاد معرفی می‌کند، اما دیدگاه اقتصاد اسلامی...

ثلث سوم، یعنی ثلثی که در حقیقت زندگانی انسانی به معنای آدمی را تشکیل می‌دهد، خواهیم افزود. و این موضوع به معنای بهبود خصوصیات زندگی فردی و اجتماعی، روحی و معنوی بشریت است. در مثال ماه با جلوگیری از اسراف قرص چهارم نان، عملاً ۲۵ درصد بر ساعت فراغت کل جمعیت بشری افزوده خواهد شد و این، به معنای اضافه کردن ۲۵ درصد بر ساعات حیات فکری، روحی، جسمی، مادی، معنوی، فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان است.

گرچه اسراف در حیطه احکام به معنای حکم شرعی قرار ندارد که شامل حدود گردد، و به دلیل این که از حوزه احکام خارج می‌گردد، وارد حیطه اخلاق می‌شود، یعنی ترغیب و تشویق باید از طرف همه ناصحان و زعما در این ارتباط صورت گیرد تا جامعه مجاب شود که مصرف زاید بر نیاز خود را حذف کند.

در حاشیه تحلیل اسراف از لحاظ تولیدکننده نیز همین مطالب صادق است. تحلیل‌های ساده‌ای از نوع آنچه گفته شد، در توجیه رفتار تولیدکننده نیز صادق است. این تحلیل‌ها هم دلالت بر بهینگی پارتو در شرایط مصرف بی اسراف خواهد بود که از لحاظ تحلیل‌های ایستای تطبیقی شرایط مبادله و رفاه در حالت مصرف بی اسراف بهتر از همان شرایط در زمان مصرف با اسراف است.

در ارتباط با نوع کالا نیز اسراف قابل بررسی است. برای مثال، مصرف کالاهای لوکس در برخی از تعاریف مشمول اسراف و در برخی دیگر مشمول تعریف قناعت می‌گردد. برخی مصرف کالاهای لوکس را اسراف می‌دانند و برخی خیر. در اینجا از این دو نوع نگرش درمی‌گذریم و به موضوعی دیگر می‌پردازیم که این شبهه در آن قابل حل

رفاهی وی را نیز موجب خواهد بود. با این تفاسیر، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که جلوگیری از اسراف، سبب رفاه حال جامعه که متشکل از نیروی کار است، خواهد شد.

قرآن کریم در ارتباط با اسراف زمینه‌های مختلفی را مطرح نموده و معلمان اخلاق بر آن تاکید فراوانی داشته‌اند. برای مثال، حتی در انفاق نیز اسراف را جایز ندانسته و می‌فرماید: کسانی که چون خرج می‌کنند، نه اسراف کنند و نه بخل ورزند و میان این دو معتدل باشند.^(۶) و می‌فرماید: حق خویشاوند و مسکین و راه مانده را بده و اسراف و زیاده روی هم نکن، چرا که اسراف کاران برادران شیاطینند و شیطان نسبت به پروردگار خود کفران کرد.^(۷) از این آیه درمی‌یابیم که حتی در پرداخت انفاق هم نباید زیاده روی نمود و این زیاده روی عملاً به عنوان رفتاری چون همکاری و همیاری با شیاطین می‌باشد. این بیان سمبلیک به این معناست که اسراف کاری به معنای همکاری با کسی است که خیانت او به بشر از داستان‌های اسطوره‌ای است و بر همه کس به صورت سمبلیک و نمادین دشمنی شیطان نسبت به بشر آشکار است، یعنی هر کس که اقدام به اسراف کند، قدمی ضد بشریت برداشته. مفهوم این موضوع در آن است که براساس تعالیم حکمای اسلامی، اوقات شبانه روز صرف سه بخش از فعالیت‌های عمده مانند: خواب، کار و رسیدگی به امور عبادی، خانوادگی، اجتماعی و غیره می‌شود، یعنی ثلثی برای خواب و ثلثی برای کار و ثلث سوم برای سایر امور زندگانی از جمله عبادت، مراقبت از خانواده، تربیت فرزندان، فراغت، برقراری روابط اجتماعی و استفاده از نعم دنیوی و معنوی تخصیص داده می‌شود. حال اگر به اندازه ۲۵ درصد قرص چهارم از وقت کار بکاهیم، مسلماً به وقت انسان برای امور

قرآن کریم حتی در انفاق هم اسراف را جایز ندانسته است.



جلوگیری از اسراف، سبب رفاه حال جامعه که متشکل از نیروی کار است، خواهد شد.

خوراکی و خورشتی لذیذ از خود پذیرایی نمایی، زیرا این منابع متعلق به بیت المال و جامعه است.

مفهوم جلوگیری از اسراف، سوای از بخل و یا تقتیر است که در قرآن مذموم معرفی شده‌اند و نظر قرآن در ممنوعیت تقتیر، یعنی ممنوعیت سختگیری در مصرف است. خداوند در ارتباط با بندگان ویژه خود می‌فرماید: ^(۹) آنانند که هنگام انفاق اسراف نکردند، بخل هم نوزندند، بلکه میانه رو باشند. و در ذم تقتیر می‌فرماید: آنان که بخل ورزیدند و فقیران را از مالی که به فضل خدا نصیب آنان شده است، محروم ساخته‌اند، گمان نکنید که این بخل به نفع آنان خواهد بود، بلکه به ضرر آنان است، زیرا مالی که در آن بخل ورزیده‌اند، در روز قیامت زنجیر گردن آنها می‌شود. ^(۱۰)

نکاتی که در اقتصاد اخلاق در اقتصاد اسلامی مطرح است، همواره از بزرگ‌ترین اصولی است که می‌تواند سبب تعالی مادی، معنوی، فردی و اجتماعی بشر گردد. متأسفانه ما مسلمانان تلاش کافی در نضج اخلاقیات اقتصادی براساس اقتصاد اسلامی نکرده‌ایم. شاید لازم باشد که استادان اقتصاد اسلامی با تشویق دانشجویان اقتصاد به طرح تئوری‌های اقتصاد اخلاق بر اساس نظریه نو کلاسیک‌ها بپردازند و این بخش از تحلیل رفتارهای اقتصادی را با نوشتن رساله‌های علمی و تحصیلی مورد بازبینی قرار دهند.

است و آن هم مصرف کالاهای لوکس توسط دولت و بخش دولتی است که از محل سرمایه‌های ملی یا به عبارت دیگر، از محل بیت المال تامین می‌شود. مفهوم عقلی این موضوع در این است که دولت یا بخش دولتی نباید از محل درآمد افراد اقدام به خرید کالاهای لوکس نماید، مثلاً ملاحظه شده است که در تشکیلات دولتی، جشن‌های مفصل و میهمانی‌های مجلل برگزار می‌شود و ساختمان‌های گران قیمت و اتومبیل‌های تشریفاتی و انواع و اقسام نمادهای لوکس مورد استفاده دولتمردان قرار می‌گیرد. قرآن کریم می‌فرماید: فرمان اسراف کاران را که در این سرزمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند، اطاعت مکنید. ^(۸) قرآن این نوع مصرف توسط دولتمردان را ممنوع کرده است، زیرا قسط اسلامی اجازه نمی‌دهد که مالیات دریافتی از کارگر زحمتکش، تبدیل به شیرآلات آب طلادار در فلان مرکز تحقیقاتی شود و یا کارگری که در طول سال دستش به خوراکی‌های لذیذی چون استیک گوساله نمی‌رسد، مالیاتی را بدهد که آن مالیات در جشن‌ها و میهمانی‌های تشریفاتی تبدیل به استیک با سس قارچ شود، یا زارعی که هزینه خرید بیخچال خود را صرف تهیه بذری می‌نماید و از محل دسترنج خود مالیاتی از بابت فروش محصول زراعی به دولت می‌دهد، مالیاتش صرف خریداری بیخچال‌های شیک برای اتاق‌های کار پرسنل دولتی گردد. مسلماً مفهوم اسراف به معنی لغوی آن، یعنی از حد اعتدال گذشتن و زیاده روی، در این رویه‌های دولتی کاملاً مصداق دارد و حتی می‌توان حکم به حرام بودن آن داد، یعنی در این گونه موارد به دلیل این که اسراف موجب تضییع حق الناس می‌گردد و وارد در حیطه ضمان می‌شود، لذا ارتکاب فعل حرام است، هر چند که اسراف فردی در دارایی‌های شخصی علیرغم مذموم بودن آن وارد در حیطه حرمت نمی‌گردد، یعنی اگر مصرف کننده بخش خصوصی، به عنوان یک فرد، در اموال خود اسراف در مصرف نماید، گرچه کارش زشت است، ولی ارتکاب فعل حرام نیست، اما اگر مامور دولت در وظیفه خود اقدام به خرید کالاهای لوکس برای تشکیلات دولتی نماید، مرتکب فعل حرام شده است. لذا بر این اساس است که مولای ما امیرمومنان در فرمان به مالک اشتر می‌فرماید: ای مالک! این مسند تو نان و خورش تو نیست، یعنی تو حق نداری رفاه خود را از آن تامین کنی. مفهوم آن این است که حق نداری از منابع بیت المال دفتر کاری مرفه و مجلل فراهم آوری و با

قسط اسلامی اجازه

نمی‌دهد که مالیات

دریافتی از کارگر

زحمتکش، تبدیل به

شیرآلات آب طلا دار

یا برگزاری جشن‌ها

و میهمانی‌ها ی

تشریفاتی شود.

(۱) سوره اعراف، آیه ۳۱: خُلُوا يَا بَنِي آدَمَ زِينَتِكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.
(۲) سوره انعام، آیه ۱۴۱: وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ جَنَاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالزَّرْعِ مَخْتَلِفًا أَلْوَانًا وَالرَّيْحَانِ مَتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَأَنْتُمْ عَلَيْهِ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.

(۳) سوره طه، آیه ۸۱: كُلُوا مِن ثَمَرِهِمْ وَمَا رَزَقْنَاهُمْ وَلَا تُطْفَؤْا فِيهِ فَيَحْبِلَ عَلَيْهِمْ غَضَبِي وَمَن يَحْلُلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَد هَوَى.
4) 1960./Cambridge University Press /Cambridge "The Stages of Economic Growth: A Non Communist Manifesto"/W.W. Rostow

5) 1991. /"Mass Market Paperback /Alvin Toffler

(۶) سوره فرقان، آیه ۶۷: وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.

(۷) سوره الاسراء، آیات ۲۷-۲۶: وَأَتِ الدُّرُوبِي حَقَّهُ وَالمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا إِنَّ المُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا.

(۸) سوره شعراء، آیات ۱۵۲-۱۵۱: وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ المَسْرِفِينَ (۱۵۱) الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ.

(۹) سوره فرقان، آیه ۶۷: وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.

(۱۰) سوره آل عمران، آیه ۱۸۰: وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَا لَهُم مِّنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاتُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ.